

۲

تحلیل قرارداد ۲۵ ساله ایران و چین با استفاده از روش سوات

حسین معین آبادی بیدگلی^۱

اعظم ایازری^۲

جلال میرزایی^۳

نوع مقاله: علمی

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۱/۱۲/۱۴ تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۲/۱۱/۰۷

^۱. دانشیار علوم سیاسی دانشگاه کرمان. moeini@uk.ac.ir

^۲. دانشجوی کارشناسی ارشد علوم سیاسی دانشگاه کرمان. azamabazari975@gmail.com

^۳. دانشیار علوم سیاسی دانشگاه کرمان. j.mirzaei@uk.ac.ir

چکیده

اعلام تصویب توافق "همکاری جامع راهبردی ایران و چین" از سوی دولت جمهوری اسلامی ایران که به مثابه دستورکار و راهنمای عمل، نقشه راه مناسبات و همکاری‌های بلندمدت دو کشور را در یک بازه زمانی "۲۵ ساله" و با قید خصیصه "راهبردی" و مشتمل بر کلیه عرصه‌ها و حوزه‌های سیاسی، اقتصادی، دفاعی و امنیتی ترسیم می‌کند، مجادلات رسانه‌ای؛ سیاسی، رسانه‌ای؛ داخلی و خارجی فراوانی را برانگیخته است. رویکرد منصفانه و واقع‌بینانه نسبت به چنین موضوع پراهمیتی اقتضاء می‌کند تا مبتنی بر مدل تحلیلی سوات (SWOT) فرصت‌ها، تهدیدها و نقاط قوت و ضعف این قرارداد مورد توجه و بررسی قرار گیرند تا تصویر وسیع‌تر و واقعی‌تری از وضعیت ترسیم شود. بر این اساس، تحقیق حاضر با روش توصیفی-تحلیلی به بررسی و تحلیل قرارداد ۲۵ ساله ایران و چین بر اساس روش سوات می‌پردازد. سؤال اصلی این پژوهش این است که قرارداد ۲۵ ساله ایران و چین چه نقاط قوت، ضعف، تهدید و فرصتهایی می‌تواند برای تهران داشته باشد؟ در این تحلیل، ایران در محیط داخلی با ۶ نقطه قوت و ۵ نقطه ضعف رو به‌رو است و در محیط خارجی نیز ۷ فرصت و ۴ تهدید را پیشرو دارد. در نهایت از تلاقی دو به دوی قوت‌ها و ضعف‌ها با فرصت‌ها و تهدیدها، چهار دسته راهبرد استخراج و ارائه می‌شود/

• واژگان کلیدی

قرارداد ۲۵ ساله، ایران، چین، روش سوات.

با خروج یک‌جانبه ایالات متحده از برجام در سال ۲۰۱۸ و اعمال مجدد تحریم‌ها، ایران در راستای استراتژی "نگاه به شرق" تصمیم گرفت که مشارکت‌های استراتژیک جدیدی با قدرت‌های نوظهور ترسیم نماید. لذا در راستای اجرای این استراتژی، برقراری روابط بلندمدت با چین در حوزه‌های سیاسی، اقتصادی و نظامی که به‌عنوان یکی از قدرت‌های شرق و دومین اقتصاد بزرگ جهان است، جزو برنامه‌های سیاست خارجی ایران قرار گرفت. در نتیجه، چین نامزد اصلی جانشینی غرب برای ایران به‌عنوان شریک عمده تجاری، منبع سرمایه‌گذاری و انتقال فن‌آوری گردید. از طرف دیگر، افزایش تنش بین غرب و چین بر سر منطقه شین جیانگ^۱ و مسائل فن‌آوری، چین را بر این داشته تا برای حذف آمریکا از اقتصاد برتر جهان و تبدیل شدن به اقتصاد برتر، با سایر کشورها دست به همکاری بزند (فروغ، ۲۰۲۲: ۲۷). در این میان، ایران با برخورداری از منابع فراوان انرژی، محوریت ژئوپلیتیک در ترانزیت منطقه‌ای و بین‌المللی، قرار گرفتن در راه ابریشم جدید، نفوذ و اهمیت فراوان در جهان اسلام و منطقه خاورمیانه به لحاظ سیاسی و امنیتی، می‌تواند پاسخگوی نیازهای راهبردی چین باشد (بخشی‌آنی و همکاران، ۱۴۰۰: ۴۵۵). در این راستا، جمهوری خلق چین و جمهوری اسلامی ایران اخیراً یک "مشارکت استراتژیک جامع"^۲ با امضای "قرارداد ۲۵ ساله" ترسیم کردند.

این قرارداد اساساً مشارکت بین دو کشور را مستحکم خواهد کرد؛ زیرا این قرارداد عملاً تمام جنبه‌های همکاری بین این دو کشور را پوشش می‌دهد. در این راستا، چین متعهد به سرمایه‌گذاری در بخش‌های مختلفی چون انرژی، حمل و نقل، تولید، ارتباطات راه دور، مناطق آزاد اقتصادی و پارک‌های صنعتی ایران شده است. این سرمایه‌گذاری‌ها یک حس ثبات برای شرایط ناپایدار ایران فراهم خواهد کرد. در مقابل قرار است ایران منابع انرژی پایدار برای چین فراهم کند. همچنین این قرارداد به شرکت‌های چینی (هم دولتی و هم خصوصی) موقعیت‌های بالقوه سودمند و معاملات سودآور در اقتصاد ایران ارائه می‌دهد (چازیزا^۳، ۲۰۱۹: ۳). در نتیجه، این قرارداد واکنش‌های مثبت و منفی شدیدی از داخل و خارج ایران به همراه داشته است. برخی با نگاه بدبینانه استدلال می‌کنند که این معامله ایران را به "مستعمره" چین تبدیل خواهد کرد. اما می‌توان گفت از آن‌جا که ایران و چین هر دو به‌دنبال جایگزینی برای ابرقدرت ایالات متحده هستند، ترسیم یک روابط پایدار و

^۱. Xinjiang County

^۲. Comprehensive Strategic Partnership

^۳. Chaziza

بلندمدت بین دو کشور، آن‌ها را در راه رسیدن به این هدف کمک خواهد کرد. از آن‌جا که هر هدفی برای رسیدن به نتیجه با فرصت‌ها و تهدیدها و همچنین نقاط قوت و ضعف بسیاری همراه است، بنابراین پژوهش حاضر با بهره‌گیری از روش سوات درصدد پاسخ‌گویی به این سوال است که قرارداد ۲۵ ساله ایران و چین چه نقاط قوت، ضعف، تهدید و فرصت‌هایی می‌تواند برای ایران داشته‌باشد؟

پاسخ به این سؤال، نیازمند فهم دقیقی از نقاط قوت و ضعف از یک‌سو و فرصت‌ها و تهدیدها از سوی دیگر است. این مقاله سعی دارد تا با مشخص کردن نقاط ضعف و قوت، فرصت‌ها و تهدیدهای پیش‌روی قرارداد ۲۵ ساله ایران و چین را لحاظ کند و با استفاده از تحلیل راهبردی سوات، با بررسی دو به دوی قوت‌ها و ضعف‌ها با تهدیدها و فرصت‌ها، مجموعه راهبردهای قرارداد ۲۵ ساله ایران و چین را استخراج کند. برای استخراج این چهارگانه مورد نیاز به منظور طراحی راهبردی، البته روش‌های مختلفی وجود دارد. آنچه در این مقاله مورد استفاده قرار گرفته، بهره‌گیری از منابع کتابخانه‌ای و اینترنتی است. سرانجام نیز ذکر این نکته ضروری است که مقاله به دنبال مشخص کردن مجموعه راهبردهایی برای قرارداد ۲۵ ساله ایران و چین است نه ضریب دهی و رتبه بندی راهبردهای طرح شده.

لازم به ذکر است که وزارت امور خارجه یک گزاره برگ از کلیات آنچه مورد توافق قرار گرفته منتشر کرده است. انتشار متن کامل قرارداد، صرفاً به دلیل ملاحظات هم‌چون تحریم‌ها انجام نشده است. در همین چارچوب این پژوهش، قرارداد ۲۵ ساله ایران و چین براساس پیش‌نویس هیجده صفحه‌ای که از سوی وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی ایران منتشر شده است مورد تبیین و بررسی قرار خواهد داد. بنابراین به دلیل محرمانه بودن و عدم دسترسی کامل به این قرارداد اطلاعات دقیقی از مصادیق، نمونه‌ها، مثال‌های قرارداد ۲۵ ساله در دسترس نیست. همچنین راهبردهایی که از مدل سوات استخراج خواهند شد کلی بوده و تنها یک دید جامع به دولت‌مردان خواهد داد.

۱. پیشینه تحقیق

امروزه، عوامل پیش‌گام اقتصادی سبب شده است که کارگزاران برای پیشبرد اهداف اقتصادی خود به انعقاد قراردادهای به شیوه‌هایی متفاوت مبادرت نمایند. یکی از مهم‌ترین قراردادهایی که ایران با یک ابرقدرت بسته است قرارداد ۲۵ ساله ایران و چین است. در همین راستا پژوهش‌گران متعددی

از زوایای مختلف به بررسی این قرارداد پرداخته‌اند برای مثال بلال^۱ (۲۰۲۰) در مقاله "روابط چین-ایران: چشم‌انداز و پیچیدگی" اذعان می‌کند که سال ۲۰۲۱ نمایانگر ۵۰ سال روابط میان چین و ایران است؛ زیرا در دهه‌های گذشته توسعه روابط دوجانبه برای هر دو کشور حائز اهمیت بوده است. با روی کار آمدن دولت روحانی در ایران با هدف دستیابی به تعامل سازنده و همکاری با جهان و از طرف دیگر تمایل به قدرت برتر شدن کشور چین در جهان از طریق قدرت اقتصاد داخلی ازسوی شین‌جینگ‌پینگ موجب عمیق‌تر شدن روابط ایران و چین در قالب روابط اقتصادی و تجاری شد. همچنین کندر دین و لان^۲ (۲۰۱۹) نیز در مقاله "سیاست سرمایه‌گذاری چین در خاورمیانه" به این موضوع می‌پردازند که استراتژی ژئواکونومیک چین در خاورمیانه بر تجارت خارجی و سیاست صنعتی استوار است. از جمله سیاست‌های تجاری چین وجود جاده ابریشم می‌باشد که از طریق آن استراتژی‌های تجاری و صنعتی خود را در خاورمیانه پیاده کرده است. این مقاله با تحلیل و بررسی درصد تجزیه و تحلیل تجارت خارجی چین و سیاست‌های آن در خاورمیانه است و به این نتیجه می‌رسد که چین توانسته با دستور کار همکاری‌های اقتصادی بین‌المللی و سرمایه‌گذاری مستقیم دولتی، اقتصاد صنعتی منطقه خاورمیانه را تقویت کند. از طرف دیگر در کتاب "چین و خاورمیانه در چشم‌انداز انرژی جدید" نوشته دائوجیانگ و میدان^۳ (۲۰۱۵) به بررسی روابط ایران و چین پرداخته‌اند و نشان داده‌اند که زمانی که دولت ترامپ از برجام کناره‌گیری کرد، موجب اعمال تحریم‌های شدیدی بر ایران شد و در این دوره، چین حفاظت بالقوه‌ای برای اقتصاد و صنعت ایران فراهم کرد. در آخر می‌توان به دو مقاله‌ای اشاره کرد که به اهمیت انرژی در منطقه خاورمیانه می‌پردازند و بیان می‌کنند که رابطه‌ی چین با خاورمیانه به‌خاطر وجود منابع سرشار در این منطقه است. برای مثال در این زمینه، لین^۴ (۲۰۱۳) در مقاله "تغییرات استراتژیک چین به چهار منطقه به عنوان موانع پیشروی در خاورمیانه" به این موضوع اشاره می‌کند که چین در حال اتحاد با کشورهایی است که روابط دشواری با غرب دارند و از نظر ژئواستراتژیک در کرانه چهار دریای خزر، سیاه، مدیترانه و خلیج فارس قرار دارند. با توجه به موقعیت خاورمیانه که به‌عنوان یک مرکز تجاری سه قاره را به هم متصل کرده است و یک منطقه حیاتی برای دسترسی به بازار و محل ذخایر انرژی گسترده برای سوخت به‌شما می‌رود و همچنین علاقه‌مندی چین به خاورمیانه باعث ایجاد یک استراتژی دوجانبه بین چین و خاورمیانه شده است. در این راستا، استراتژی اول آغاز پروژه‌ی

1. Kulsoom Belal

2. Kenderdine and Lan

3. Zha Daojiong and Michal Meidan

4. Lin

زیربنایی جاده ابریشم و تبدیل مسیرهای تجاری و تاریخی این جاده به شبکه‌ای مدرن از زمین‌های بایر است. استراتژی دوم این‌که چین، نوسازی نظامی را برای حفاظت از منافع خارج از کشور افزایش داد. همچنین در مقاله فرهنگ (۲۰۰۹) تحت عنوان "حرکت در سایه قدرت: راهبرد انرژی خاورمیانه چین و پیامدهای آن برای منافع حیاتی آمریکا در منطقه" مانند مقاله قبلی به اهمیت انرژی در منطقه خاورمیانه می‌پردازد. وی می‌گوید: "با افزایش تقاضای چین برای انرژی و وابستگی شدید آن به منابع انرژی خاورمیانه، موجب ایجاد تنش‌هایی بین چین و واشنگتن شده است". در دهه اخیر نیز به علت رویکرد تهاجمی چین به خاورمیانه به‌ویژه تشدید روابط اقتصادی چین و ایران موجب نگرانی ایالات متحده شده است؛ در نتیجه چین بر وضعیت توازن قدرت در خاورمیانه تأثیر خواهد گذاشت اما لزوماً به ضرر ایالات متحده نخواهد بود. یکی از آخرین منابعی که در این زمینه وجود دارد مقاله‌ای تحت عنوان "راهبان خلیج عرب در پاسخ به ظهور اژدهای چینی" از الموتائری^۱ (۲۰۱۸) است؛ در این مقاله این پرسش مطرح شده است که آیا قدرت چین در منطقه خلیج عرب مانند دیگر نقاط جهان در حال افزایش است؟ در پاسخ به این سوال آمده است که افزایش قدرت چین از نظر اقتصادی در منطقه خلیج عرب که از جنس رشد اقتصادی انرژی‌محور است، افزایش یافته است. از عوامل کلیدی که چین را به سمت کشورهای حوزه خلیج فارس و برقراری ارتباط دیپلماتیک سوق داده است، می‌توان به نیازهای اقتصادی چین به منابع انرژی بویژه نفت (در این میان چین به دنبال افزایش روابط خود با ایران و عربستان است) و ترس عمیق این کشور از تأثیر مناطق خلیج فارس بر ثبات داخلی خود (امنیت) اشاره کرد. به طور کلی، با مرور سوابق ادبیات در این زمینه، می‌توان گفت تنها اثری که بیشترین هم‌پوشانی را با این پژوهش دارد، مقاله رابطه بین چین و آمریکا از محمدباقر فروغ است و سایر پژوهش‌هایی که در این زمینه وجود دارند، رابطه ایران و چین را در یک زمینه خاص مثل انرژی و زمان محدود کرده‌اند. مهم‌ترین نوآوری پژوهش حاضر این است که به تبیین قرارداد ۲۵ ساله میان ایران و چین در همه زمینه‌های موجود در این قرارداد پرداخته و از روش نوآورانه سوات برای استخراج راهبردهای مفیدی در این زمینه استفاده کرده است.

۲. تعاریف مفهومی پژوهش

سیاست خارجی: سیاست خارجی، راهبردی از پیش تعیین شده است که از طریق تصمیم‌گیرندگان برای تأمین اهداف مشخص صورت می‌گیرد (دهقانی‌فیروزآبادی، ۱۳۹۲: ۱۳۰-)

^۱. Almutairi

۱۲۹). به عبارت دیگر، سیاست خارجی راهبرد یا رهیافتی است که توسط دولت ملی برای دستیابی به اهداف خود در روابط با موجودیت‌های خارجی انتخاب می‌شود (اسمیت و دیگران، ۱۳۹۱: ۲۳). به‌طور کلی، سیاست خارجی بازتاب اهداف و سیاست‌های دولت در صحنه روابط بین‌الملل در ارتباط با سایر دولت‌ها، جوامع و سازمان‌های بین‌المللی است. هر کشوری در اتخاذ سیاست خارجی خود بر اساس یک سری قواعد معین عمل می‌کند که کلیت جهت‌گیری حکومت مستقر را مشخص می‌کند و در راستای دستیابی به کسب منفعت و سود بیشتر در سیاست خارجی خود استراتژی‌های مختلفی را برمی‌گزیند. اما آنچه مهم است این که دولت‌ها در برقراری روابط خارجی خود، آزادانه و سرخود عمل نمی‌کنند، بلکه نهادهای و عوامل مختلفی در تصمیم‌گیری‌های سیاست خارجی یک کشور دخیل‌اند.

مشارکت راهبردی چین: پس از پایان جنگ سرد، چین یک شبکه مشارکت جهانی و چندبعدی تشکیل داده‌است. از سال ۱۹۹۳ زمانی که چین اولین مشارکت راهبردی خود را با برزیل ایجاد کرد، دیپلماسی مشارکتی به تدریج به یکی از اجزای اصلی دیپلماسی بزرگ چین تبدیل شد و پکن روابط ویژه خود را در جهان، با مفهوم مشارکت راهبردی گسترش داده‌است (Cheng & Wankun, 2002: 240). مشارکت‌های راهبردی چین در ابتدا بر قدرت‌های بزرگ و همسایگان منطقه‌ای از جمله برزیل، روسیه و آمریکا متمرکز بود. اما از ابتدای قرن بیست و یکم به‌طور قابل توجهی، دولت چین بر توسعه روابط دوجانبه با کشورهای در حال توسعه سایر مناطق جهان متمرکز شد. که این امر موجب شد تا خاورمیانه (غرب آسیا)، اروپا و تا حدودی آمریکای لاتین به مناطق راهبردی اصلی چین تبدیل شوند (Feng & Huang, 2014: 10-11). در واقع، چین مانند گذشته، شریک‌های خود را به قدرت‌های بزرگ محدود نکرده است و لذا این راهبرد قابل توجه‌ترین تغییر در ایجاد شبکه مشارکت چین است. از نظر توزیع منطقه‌ای تا پایان سال ۲۰۱۸، چین با ۷۸ کشور و ۵ سازمان منطقه‌ای (اتحادیه آفریقا، اتحادیه عرب، آ.سه.آن، جامعه کشورهای آمریکای لاتین و کارائیب و اتحادیه اروپا) مشارکت نموده است. که هر ۵ قاره را پوشش می‌دهد و ۴۵ درصد از ۱۷۴ کشوری است که روابط دیپلماتیک رسمی با چین دارند (Li & Ye, 2019: 66-67). از نظر توسعه زمانی، دیپلماسی مشارکتی چین از سال ۱۹۹۳ به‌طور مداوم رشد کرده است. به‌طوری که در سال‌های ۱۹۹۳ تا ۲۰۰۳ تنها ده کشور با چین مشارکت داشته‌اند. اما در سال‌های ۲۰۰۴ و ۲۰۰۵ به ترتیب ۱۳ و ۱۰ کشور با چین روابط مشارکتی ایجاد کرده‌اند که جهش بزرگی بوده است. در این دوره، چین شبکه خود را تا حد زیادی با شامل کردن کشورهای اروپایی، کشورهای همسایه، اتحادیه آفریقا و آ.سه.آن گسترش داده

بود. این اولین مرحله از گسترش شبکه مشارکت چین است. دومین مرحله، دیپلماسی مشارکتی چین در سال ۲۰۱۳ مطرح شد که تا امروز ادامه دارد و پکن بیش از ۴۶ مشارکت با جهان خارج ایجاد کرده است. پس از روی کار آمدن شی جی پینگ، تغییرات مهمی در دیپلماسی مشارکتی چین رخ داد و از آن جایی که او در پی «رؤیای چینی» برای تطابق با وضعیت بین‌المللی بود، چین سیاست خارجی فعال‌تری به کار گرفت که هدف آن تبدیل کردن چین به یک کشور قدرتمندتر و ثروتمندتر است. در گزارش نوزدهمین کنگره ملی حزب کمونیست چین، «مشارکت» برای اولین بار به صورت رسمی به عنوان مؤلفه مهم راهبرد دیپلماتیک چین مطرح شد. در این بیانیه، تأکید شده است که چین «رویکرد جدیدی برای توسعه روابط دولت با دولت به کار خواهد گرفت» و مشارکت را به رویارویی اولویت خواهد داد. همچنین تأکید شده است که به دنبال توسعه فعالانه مشارکت‌های جهانی و گسترش همگرایی منافع با سایر کشورها است (یو^۱، ۲۰۱۸: ۱۵). در مجموع چین از نظر اقتصادی، به دنبال مشارکت با کشورهای است که توانایی ارائه بازار برای کالاهای چینی، منابع طبیعی و تقویت حضور اقتصادی چین را در جهان را دارند. همچنین از نظر سیاسی نیز، هدف چین از مشارکت، مقابله با فشار آمریکا و ایجاد محیط سیاسی مطلوب برای ظهور چین خارج از منطقه ایندو-پاسیفیک است. بدین لحاظ غرب آسیا به دلیل موقعیت ژئوپلیتیک منحصربه‌فرد، منبع حیاتی برای تبادل انرژی، فن‌آوری و گسترش روابط اقتصادی، تجارت و سرمایه‌گذاری مهم‌ترین منطقه برای چین است. از این رو، چین با توجه به ابعاد همکاری، سه سطح از روابط مشارکت (مشارکت جامع راهبردی، مشارکت راهبردی و مشارکت منظم) را با کشورهای هدف در پیش گرفته است و قرارداد ۲۵ ساله ایران و چین گامی برای ارتقا روابط از سطح همکاری به مشارکت است (ترابی و همکاران، ۱۴۰۲: ۴۰). در این راستا، می‌توان گفت قرارداد ۲۵ ساله ایران و چین اولین تجربه مشارکت چین در روابط خارجی نیست، بلکه در سال‌های اخیر، از این نوع الگو در تعیین نوع رفتار خارجی خود در قبال دیگر کشورها استفاده کرده است.

روش سوات^۲: روش سوات یکی از مهم‌ترین ابزارهایی است که به‌طور معمول در جهت تجزیه و تحلیل نظام‌مند محیط داخل و خارج سازمان به کار می‌رود و در واقع شامل چهار عامل تحلیلی قوت، ضعف، فرصت و تهدید است (Chang et al, 2005: 98). معمولاً نقاط ضعف و قوت در امور داخلی تأثیر گذارند. در حالی که فرصت‌ها و تهدیدها عموماً به عوامل بیرونی مربوط می‌باشند. به همین خاطر مدل و روش سوات در برخی متون مدیریتی، تحلیل درونی-بیرونی نیز نامیده می‌شود

1. Yue

2. SWOT

(ساسانیان و حاجیانی، ۱۳۹۶: ۶۲). به‌طور کلی، واژه‌های قوت، ضعف، فرصت و تهدید می‌توانند علاوه بر برنامه‌ریزی استراتژیک سازمان‌ها، در تحلیل استراتژی دولت‌ها نیز استفاده شوند. بنابراین علاوه بر این که این روش می‌تواند برای پی‌بردن به نقاط ضعف و مثبت یک سازمان مورد استفاده قرار گیرد می‌تواند به‌عنوان نقاط ضعف، قوت، تهدید و فرصت‌های سیاست‌خارجی هر کشور برای پیشبرد اهداف سیاسی خود در عرصه‌ی بین‌المللی نیز به‌کار برده شود (بیگدلی، ۱۳۸۹: ۹۸).

راهبردهای خروجی از ماتریس تحلیلی سوات: ماتریس تحلیلی سوات که ترکیبی از چهار عنصر قوت، ضعف، فرصت و تهدید است دارای چهار خروجی با عنوان راهبردهای چهارگانه است. راهبردهای قوت فرصت (SO)، قوت تهدید (ST)، ضعف فرصت (WO) و نقاط ضعف تهدید (WT).

جدول ۱: راهبرد عملیاتی سوات

ضعف (W)	قوت (S)	راهبردهای عملیاتی سوات
نقاط ضعف فهرست می‌شود	نقاط قوت فهرست می‌شود	
راهبرد (WO)	راهبرد (SO)	فرصت (O) فرصت‌ها فهرست می‌شود
از طریق فرصت‌ها به رفع نقاط ضعف می‌پردازیم	با بهره‌گیری از نقاط قوت ترسیم استفاده از فرصت‌ها می‌پردازیم	
راهبرد (WT)	راهبرد (ST)	تهدید (T) تهدیدها فهرست می‌شود
با توجه به شناخت ضعف و تهدید از آن‌ها دوری می‌کنیم	برای جلوگیری از تهدیدها از نقاط قوت استفاده می‌کنیم	

۳. روش پژوهش و تحلیل یافته‌ها

در این پژوهش از روش کتابخانه‌ای و مرور ادبیات نظام‌مند و روش سوات جهت گردآوری اطلاعات استفاده شده است و از دستورالعمل‌های ارائه‌شده تحلیل سوات پیروی شده است. در ادامه، سه گام جهت گردآوری داده‌ها، طرح‌ریزی شد. در گام نخست، برنامه و نحوه گردآوری اطلاعات براساس سوالات پژوهش و سایت‌ها و مجلات علمی تدوین شد. در مرحله بعد جستجوی مقالات انجام شد. در این مرحله، جهت گردآوری اطلاعات، جستجو در پایگاه اطلاعات داخلی و بین‌المللی با کلید واژه‌های قرارداد چین و ایران، همکاری‌های بین‌المللی صورت پذیرفت. جهت یافتن مقالات داخلی، از پایگاه‌های SID، Civilica و IranDoc استفاده شده است. جستجوی مقالات خارجی نیز در

پایگاه‌های ScienceDirect، SAGE، Google Scholar و Wiley انجام شده است. همچنین، در پژوهش حاضر از روش سوات برای بررسی نقاط ضعف، قوت، تهدید و فرصت‌های قرارداد ۲۵ ساله ایران و چین که مربوط به سیاست خارجی این دو کشور است، استفاده شده است؛ که در ادامه مراحل انجام روش سوات بیان می‌شود.

مرحله نخست: شناسایی نقاط قوت، ضعف و فرصت، تهدید است. نقاط قوت و ضعف که به عناصر داخلی دولت یا محیط نیز شهرت دارند از طریق بررسی و تبیین در اصول و اهداف سیاست خارجی، مفاد، سیر تحول دولت‌ها، بررسی منافع ملی کشورها از جمله قدرت اقتصادی، نظامی، فرهنگی و غیره، تمامیت ارضی و مرزی کشورها بررسی صورت می‌گیرد. فرصت‌ها و تهدیدها نیز با پی‌بردن در نوع فعالیت و ارتباط دولت‌ها دیگر کشورها، میزان تاثیرگذاری بر دیگر کشورها، بررسی ژئوپلیتیک و ژئواستراتژیکی کشورها، بررسی تطبیقی و مقایسه با کشورهای هم‌عرض و حتی رقیب، بررسی تاثیرات نظام‌های سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی و حتی تحولات فناوری و تکنولوژی بر روی دولت به دست می‌آید. پس از گردآوری عناصر چهارگانه محقق باید بر اساس موضوع، اهمیت و امکان و احتمال رخداد این عوامل به پالایش و غربال‌گری اولیه دست زند. به همین دلیل برای غربال‌گری عوامل مهم داخلی و محتمل خارجی وارد مرحله دوم می‌شود (خجیر، ۱۳۹۸: ۹).

مرحله دوم: محدودیت‌های پژوهش مورد نظر همانند محدودیت زمانی، مالی، منابع انسانی و حتی سازمانی محقق را ملزم می‌کند که در انتخاب عناصر چهارگانه دقت و نظارت کافی کند. یکی از بهترین شیوه غربال‌گری و پالایش استفاده از تکنیک تشخیص عوامل کلیدی از غیرکلیدی است. که این امر می‌تواند به شیوه‌های گوناگون برای نقاط قوت ضعف و فرصت تهدید حادث شود. یکی از شیوه‌های اجرایی این کار، ترسیم ماتریس نوع شناسی محیط است. ماتریس نوع شناسی محیط نوعی تفکیک و بازشناسایی عوامل کلیدی یا اساسی از عوامل غیرکلیدی با درجه اهمیت کمتر در دولت و محیط پیرامون آن است. در بسیاری از موارد محقق مجبور است به خاطر هزینه بر بودن، زمان طولانی و پیچیدگی و دشواری شناخت مطالعات محیطی عوامل را با توجه به درجه اهمیت و تاثیر بر دولت به دو دسته کلیدی و غیرکلیدی تقسیم کند. در این مرحله محقق با بررسی رسالت، ماموریت، چشم‌انداز و اهداف تعیین‌شده، ساختار دولتی و ویژگی‌های منافع ملی دولتی، میزان توانایی سیاسی و اقتصادی می‌تواند به عوامل کلیدی درون دولتی دست یابد (احمدی، ۱۳۹۰: ۴۱).

مرحله سوم: پس از شناسایی عوامل داخلی و خارجی کلیدی و دسته‌بندی آن‌ها در قالب نقاط قوت و ضعف و فرصت‌ها و تهدیدها، باید اهمیت نقاط قوت و ضعف و احتمال وقوع فرصت‌ها و

تهدیدها برای سازمان یا محیط مورد مطالعه با کمک نخبگان مشخص شود. این امر به کمک پرسشنامه، کارت سفید و کارت متوازن و حتی در برخی موارد که موضوع برای نخبگان از شفافیت برخوردار نیست یا موضوع چند لایه و چند بعدی است از مصاحبه استفاده می‌شود. همچنین برای تهیه پیوستار ارزیابی عوامل داخلی و پیوستار ارزیابی عوامل خارجی ابتدا نقاط قوت و سپس نقاط ضعف را لیست کرده و به هر عامل یک ضریب وزنی بین صفر (بی اهمیت) تا پنج (بسیار مهم) اختصاص می‌دهیم.

مرحله چهارم: در این مرحله به تدوین و ساخت راهبردها براساس عناصر چهارگانه قوت، ضعف، فرصت و تهدید به کمک ماتریس عملیاتی راهبردها می‌پردازیم.

۳-۳ قرارداد ۲۵ ساله ایران و چین

قرارداد همکاری ایران و چین یک توافق سیاسی، استراتژیک و اقتصادی میان نظام جمهوری اسلامی ایران و جمهوری خلق چین برای سرمایه‌گذاری در صنعت نفت ایران، شرکت ملی صادرات گاز ایران، شرکت ملی صنایع پتروشیمی ایران، زیرساخت‌های ایران و همکاری نظامی، امنیتی، فرهنگی و قضایی است. طبق گزارش پترولیوم اکونومیست^۱، قرار است حجم سرمایه‌گذاری معادل ۲۸۰ تا ۴۰۰ میلیارد دلار در ایران انجام شود. که بخش چشم‌گیری از این سرمایه‌گذاری چینی‌ها طی سال نخست اجرای قرارداد ۲۵ ساله با آنها به صنعت نفت و گاز ایران تزریق می‌شود و مابقی آن به صورت مرحله‌ای و براساس توافق دو طرف از سوی پکن در ایران انجام می‌شود (رحیمی و سازمند، ۱۴۰۱: ۱۶۹). این قرارداد از سوی دولت جمهوری اسلامی ایران که به مثابه دستورکار و راهنمای عمل، نقشه‌راه مناسبات و همکاری‌های بلندمدت دو کشور را در یک بازه زمانی "۲۵ ساله" و با قید خصیصه "راهبردی" و مشتمل بر کلیه عرصه‌ها و حوزه‌های سیاسی، اقتصادی، دفاعی و امنیتی ترسیم شده است. این قرارداد شامل ۹ بند و ۳ ضمیمه است. در ضمیمه شماره یک اهداف اساسی را با در نظر داشتن ظرفیت‌های همکاری و فرصت‌ها ذکر کرده است. ضمیمه شماره دوم را عناوین اصلی شامل انرژی، بزرگراه، اتصالات دریایی، همکاری‌های بانکی، همکاری‌های گردشگری، ریشه‌کن کردن فقر و... برای برنامه همکاری‌های جامع ۲۵ ساله را برشمرده است. ضمیمه سوم نیز اقدامات اجرایی (کوتاه مدت، میان مدت و بلندمدت) را تبیین کرده است (دبیرخانه سازوکار عالی مشارکت جامع راهبردی ایران و چین، ۱۳۹۹: ۳-۴). امضای قرارداد همکاری جامع میان ایران و

¹ <https://pemedianetwork.com/petroleum-economist/articles/geopolitics/2019/china-and-iran-flesh-out-strategic-partnership>

چین مجادلات قلمی، کلامی، سیاسی و رسانه‌ای، داخلی و خارجی فراوانی را برانگیخت (فروغ، ۲۰۲۱: ۴). موافقین و مدافعین این قرارداد همکاری بر جامعیت و فراگیری حوزه‌های تحت پوشش، سدشکنی و گشایش به سوی بین‌المللی شدن، مقابله و خنثی‌سازی راهبرد فشار حداکثری آمریکا، تعادل بخشی به مناسبات بین‌المللی و عدم تکیه بر یک حوزه خاص سیاسی-جغرافیایی و تأمین سرمایه لازم برای توسعه بخش‌های زیربنایی و از همه مهم‌تر رویکرد آینده‌نگرانه و محتاطانه مستتر در این قرارداد همکاری که تأییدی بر تغییر پارادایمی در نظم و نظام بین‌المللی در حال تکوین است، تأکید می‌کنند. در مقابل، مخالفین و منتقدین این قرارداد بر عدم توازن و ناموزون بودن تعهدات و مسئولیت‌های دو طرف معادله، اتکا بیش از حد بر یک قدرت جهانی در حال ظهور، بی‌اعتمادی و تردید نسبت به تعهدپذیری طرف مقابل و ذهنیت منفی نسبت به عملکرد نه چندان باثبات طرف چینی در تعامل با کشور ایران و توسل به ادعاهای واهی همچون واگذاری سرزمین و نقض استقلال و حاکمیت ملی، اصرار دارند (Leandro, F. et al, 2021:245). اما رویکرد منصفانه و واقع‌بینانه نسبت به چنین موضوع پراهمیتی اقتضا می‌کند تا مبتنی بر مدل تحلیلی سوات فرصت‌ها و تهدیدها و نقاط قوت و ضعف این قرارداد مورد توجه و بررسی قرارگیرند تا تصویر وسیع‌تر و واقعی‌تری از وضعیت ترسیم شود.

از آن‌جا که هدف این تحقیق تبیین قرارداد ۲۵ ساله ایران و چین از طریق مدل سوات می‌باشد، نگارنده، با قرارگیری این نقاط ضعف و تهدید در کنار نقاط قوت و فرصت‌هایی که در محیط خارجی پیش‌روی قرارداد ۲۵ ساله ایران و چین قرار دارد، این قرارداد را به منظور پوشش نقاط ضعف خود و کاستن تهدیدها به سمت اتخاذ استراتژی‌هایی متمایل نموده است.

جدول ۲: نقاط قوت‌ها، ضعف‌ها، فرصت‌ها و تهدیدها در قرارداد ۲۵ ساله ایران و چین

نقاط قوت	S1	به رسمیت شناختن اشتراکات فرهنگی، چندجانبه‌گرایی، حمایت از حق ملت‌ها برای برخورداری از حق حاکمیت برابر و مدل توسعه بومی خود و اشتراکات دیدگاه‌های مشابه در مورد مسائل مختلف جهانی که موجب گسترش روابط آنها شده است.
	S2	نقش چین در حل پرونده هسته‌ای ایران در چارچوب مذاکرات ایران و گروه ۵+۱ و شکل‌گیری توافق هسته‌ای (برجام)
	S3	جنگ تحمیلی عراق علیه ایران، مقدمه افزایش مبادلات نظامی ایران و چین که در سال‌های اخیر موجب افزایش همکاری‌ها در حوزه دفاعی - نظامی و موشکی شده است
	S4	تمایل دو کشور به بازگشت شکوه گذشته خود در دوران معاصر با اندیشه‌هایی مانند احیا رویای چین و احیای جاده ابریشم از طریق ابتکار کمربند راه
	S5	آینده نگری، بلندمدت بودن، جامعیت و فراگیری در حوزه‌های حیاتی صنعتی، بانکی، انرژی و ارتباطات، جذب سرمایه و ورود سرمایه خارجی به حوزه‌های زیربنایی و تولیدی و فن‌آورانه
	S6	برقراری تعاملات و همکاری‌های دو و چندجانبه با دیگر کشورها در قالب ابتکار "یک کمربند یک راه" و ورود به شبکه‌ای از همکاری‌های مختلف و اتصال به خطوط ارتباطات و اطلاعات منطقه‌ای
نقاط ضعف	W1	با وجود ادامه تحریم‌های بین‌المللی علیه ایران عرضه نفت این کشور به چین روند نزولی داشته و تا سال ۲۰۲۰ نیز ادامه یافته است.
	W2	کلی بودن سند همکاری و ابهامات موجود در چگونگی اجرا و عملیاتی کردن توافقات به خصوص در حوزه‌های حساس انرژی، فروش نفت، فن‌آورهای حساس دفاعی و نظامی
	W3	ابهامات و عدم شفافیت موجود، طرح گسترده ادعاهائی در خصوص واگذاری سرزمینی و تضعیف حاکمیت ملی و استقلال سیاسی در افکار عمومی جامعه، سکوت و عدم همراهی طرف چینی در تأیید و حمایت از این سند، و فضای روانی منفی به خصوص در فضای مجازی در نقد و انتقاد از این سند؛ شرایط دشواری را بخصوص برای دولتمردان ایرانی در امضاء، تصویب و اجرای این سند همکاری ایجاد کرده است. بدیهی است وجود اجماع در سطح ملی و حمایت گسترده در سطح عامه مردم، رسانه‌ها، جریان‌های سیاسی و نخبگان جامعه، شرط لازم و ضروری برای موفقیت آمیز بودن چنین سندی است.
	W4	با وجود فراگیری سند همکاری و شامل شدن طیف وسیعی از موضوعات در حوزه اقتصادی، تکنولوژیک، نظامی و امنیتی و حتی فرهنگی هیچ اشاره‌ای به همکاری‌های سیاسی - دیپلماتیک و ارتقا سطح تعاملات سیاسی نشده است.
	W5	موضوع تخفیف‌های ویژه در زمینه فروش نفت و نحوه انتقال وجوه مربوطه به فروش نفت به داخل کشور باتوجه سوابق نه چندان مثبت در گذشته، مشکل آفرین به نظر می‌رسد.
فرصت‌ها	Q1	جمهوری اسلامی ایران به اعتبار رهیافت ضدامپریالیستی و ضداستکباری در دکترین سیاست-خارجی خود، تجربه‌گران سنگی در "تقابل" با قدرت‌های سلطه‌گر به خصوص ایالات متحده آمریکا

کسب کرده و طبعاً هزینه سنگینی نیز برای این رویکرد ضدسیستمی پرداخته است. توافقات همکاری بلندمدت و راهبردی (مشابه سند همکاری ۲۵ ساله با چین) فرصت مناسبی است تا جمهوری اسلامی ایران "مشق تعامل" با قدرت‌های بزرگ و در کلاسی جهانی را نیز تجربه کند و خود را برای جهان پسا - غربی فردا مهیا نماید.		
طراحی و تنظیم "سند جامع همکاری راهبردی" با یکی از قدرت‌های بزرگ دنیا و اصلی‌ترین رقیب ابرقدرت امروز و مهم‌ترین کاندیدای مقام "قدرت برتر" در نظام بین‌الملل در حال تکوین، فرصت مهمی در اختیار جمهوری اسلامی ایران برای بازیگری در میدان‌های بزرگ آینده قرار می‌دهد و مؤید درک واقع بینانه نسبت به شیفت پارادایمی در نظم بین‌المللی آینده است.	Q2	
در وضعیت حساس، دشوار و پیچیده ناشی از سیاست فشار حداکثری آمریکا و رویکرد بشدت خصمانه و معطوف به براندازی دولت‌مردان آمریکائی علیه جمهوری اسلامی ایران، اجرائی شدن سند جامع همکاری راهبردی میان ایران و چین پنجره فرصت فراخی را فراروی جمهوری اسلامی ایران می‌گشاید تا فوراً از زیر بار سنگین فشارهای تحریمی و تهدیدها متنوع آمریکا خارج شده و فرصت بازسازی یابد. بخش مهمی از تهاجم سنگین سیاسی - رسانه‌ای اردوگاه غرب و شرکای منطقه‌ای آن در قبال این سند همکاری، ناشی از همین فرصت طلائی تنفس است.	Q3	
تضعیف تحریم‌های ظالمانه و فلج کننده آمریکا علیه ایران از جمله تحریم‌های نفتی، بانکی و سرمایه‌گذاری و همچنین بی‌خاصیت کردن راهبرد فشار حداکثری آمریکا و ناکارآمدسازی آن، در تحریک و تشویق دیگر قدرت‌های اروپائی.	Q4	
راهبرد کلان آمریکا در چهل سال گذشته و به ویژه در عصر پسا جنگ سرد، قطع شریان‌های حیاتی ارتباطی ایران با دنیای خارج از طریق حذف کشورمان از شبکه‌های جهانی و منطقه‌ای و قطع خطوط ارتباطی از/ به کشورمان بوده است. عملیاتی شدن سند همکاری راهبردی ایران و چین، کشورمان را به طرق مختلف از جمله پروژه "یک کمربند یک راه" به شبکه ارتباطات بین-المللی و خطوط مواصلاتی شمال-جنوب و شرق-غرب مرتبط می‌سازد.	Q5	
افزایش ضریب امنیت ملی در برابر فشارهای بیرونی و کسب تضمین شده حمایت سیاسی در عرصه‌های بین‌المللی.	Q6	
افزایش ظرفیت‌ها و توانمندی‌ها و ارتقاء استانداردهای امنیتی، دفاعی - نظامی کشورمان به استانداردهای جهانی از طریق همکاری با یک قدرت طراز اول جهانی.	Q7	
تهدید بالقوه اصل استقلال سیاسی و ایجاد وابستگی یک‌جانبه، در صورت عدم اجرای متوازن تعهدات و عدم برقراری اصل موازنه در مناسبات با قدرت‌های بزرگ.	T1	تهدیدها
عدم اجرای صحیح و کامل، عدم نظارت دقیق و نقض تعهدات یا عدم ایفای کامل آن، از جمله عوامل بالقوه تهدیدزا در مراحل اجرائی سند همکاری راهبردی ایران و چین است.	T2	

<p>تهدید بالقوه ناشی از خرید انحصاری نفت و وابستگی یک‌جانبه به بازار مصرف چین، ورود و نقش انحصاری چین در حوزه‌های حساس به‌ویژه صنایع با فن‌آوری بالا به خصوص صنایع ارتباطات و مخابرات.</p>	<p>T3</p>	
<p>تهدید بالقوه وابستگی یک‌جانبه دفاعی و افزایش آسیب‌پذیری امنیتی به واسطه عدم برقراری موازنه مطلوب در مناسبات دفاعی- امنیتی با سایر قدرت‌های بزرگ جهانی.</p>	<p>T4</p>	

منبع: نویسندگان

۴. تحلیل راهبردهای قرارداد ۲۵ ساله ایران و چین براساس روش سوات

۴-۱ راهبردهای تهاجمی

این مجموعه از تقابل قوت‌ها و فرصت‌ها به وجود می‌آید در این راهبردها از نقاط قوت برای بهره‌گیری هرچه بیشتر از فرصت‌های محیط بیرونی استفاده می‌شود.

وابستگی متقابل، از مهم‌ترین الگوهای شکل‌دهی روابط دوجانبه میان کشورهای است. در این الگو تکیه دوطرف بر رفع نیازهای طرف مقابل با استفاده از نقاط قوت به‌عنوان محور توسعه روابط اقتصادی و سیاسی در نظر گرفته می‌شود. در این حالت، وابستگی نه تنها منجر به ایجاد ضعف در روابط نشده بلکه سطح تعامل دوطرف را با استفاده از فرصت‌های موجود ارتقا می‌دهد. بنابراین همکاری راهبردی ایران و چین در قالب وابستگی متقابل می‌تواند براساس یک چشم‌انداز درازمدت بستری از همکاری‌ها را برای هر دو کشور در جهت کاستن فشارهای آمریکا فراهم آورد و ضمن خارج کردن ایران از انزوای اقتصادی، فشارهای آمریکا بر چین را نیز کاهش دهد. بنابراین این دو کشور باید از ویژگی‌های منحصر به‌فرد سیاسی، دیپلماتیک، تجاری و اقتصادی در راستای همکاری‌های راهبردی و بلندمدت برای توسعه و پیشرفت استفاده کنند و از این فرصت و اتحاد برای جلوگیری از حضور هر متغیر بیرونی به‌ویژه ایالات متحده در منطقه بهره ببرند. بنابراین رهبران سیاسی دو کشور می‌توانند برای برقراری و حفظ امنیت پایدار در آسیا به ویژه خاورمیانه و مقابله با مداخله‌های نابجای برخی قدرت‌ها، روابط راهبردی را در راستای منافع دوجانبه و کل منطقه پیش ببرند. در این راستا، همکاری‌های مشترک با محوریت منافع دو کشور در زمینه نفت و گاز، برق، انرژی هسته‌ای، انرژی‌های تجدیدپذیر و همکاری‌های امنیتی موجب شده تا استراتژی راهبردی راه‌حل مناسبی برای همگرایی دو کشور در منطقه خاورمیانه باشد. در نتیجه این همکاری‌ها امنیت و ثبات در آسیا قابل تحقق است. این دو کشور نیز می‌توانند با تعریف منافع مشترک بلندمدت و استراتژیک به سمت انعقاد قراردادهای راهبردی و طولانی‌مدت گام بردارند. بنابراین، انعقاد این سند جامع همکاری ایران و

چین می‌تواند امتیازات ژئوپلیتیک، استراتژیک و ژئوانرژی برای جمهوری اسلامی ایران به همراه داشته باشد. همچنین جمهوری اسلامی باید برای تصویب این قرارداد یک تضمین جدی در زمینه مناسبات استراتژیک و بلندمدت با چین ایجاد کند تا پکن را به سرمایه‌گذاری بلندمدت در طرح‌های زیرساختی ایران از جمله، احداث مجتمع‌های مسکونی، صنایع خودروسازی، کشاورزی، مخابرات، علوم و فناوری، آموزش، بهداشت و گردشگری ترغیب کند. تا طبق این قرارداد جایگاه جمهوری اسلامی ایران در ابتکار بزرگ کمر بند راه تقویت شود.

۲-۴ راهبردهای تنوع (رقابتی)

این مجموعه از تقابل نقاط قوت درونی با تنگناها و تهدیدها بیرونی شکل می‌گیرد. در این راهبردها از نقاط قوت درونی به منظور کاهش یا رفع خطر و تهدیدها محیط خارجی استفاده می‌شود. آنچه در حال حاضر می‌تواند روند اجرای سند همکاری جامع ۲۵ ساله را تسریع سازد، تمرکز بر این سند به عنوان محوریت سیاست خارجی است در این راستا این دو کشور با ایجاد مشارکت استراتژیک جامع در چارچوب اعتماد سیاسی، روابط اقتصادی متراکم، مبادلات فرهنگی و روابط خوب در سایر بخش‌ها می‌توانند این همکاری دوجانبه را به عنوان نقطه شروع و رابطه برد-برد در نظر بگیرند. بنابراین، این گام‌ها باعث افزایش همکاری و تناسب مصالح بین دو کشور و بالابردن توانمندی‌های آنها در مقابل چالش‌های فعلی و آینده می‌شود. چنانچه این قرارداد طیف وسیعی از موضوعات در حوزه‌های اقتصادی، تکنولوژیک، نظامی و امنیتی و حتی فرهنگی را در خود جای داده است اما در این سند هیچ اشاره‌ای به همکاری‌های سیاسی، دیپلماتیک و تعاملات سیاسی نشده است که جمهوری اسلامی ایران می‌تواند با اجرای صحیح و دقیق این قرارداد با استفاده از اجرای متوازن تعهدات و برقراری اصل موازنه با قدرت‌های بزرگ این مشکل را برطرف کند. همچنین طبق این توافق، همکاری چین در قالب مذاکرات با گروه ۵+۱ می‌تواند علاوه بر تأمین حقوق ملت ایران، زمینه تفاهم و همکاری‌های بین‌المللی را در این زمینه افزایش دهد.

۳-۴ راهبردهای محافظه کارانه

این راهبردها از تقابل و تعامل ضعف درونی با فرصت‌های خارجی شکل می‌گیرد. این راهبردها تلاش می‌کند تا با کاستن از ضعف‌ها بتواند حداکثر استفاده را از فرصت‌های موجود ببرد. جمهوری اسلامی ایران، به عنوان یک کشور نفت خیز و دارای نفوذ منطقه‌ای اما تحت تحریم آمریکا و از طرف دیگر، چین به عنوان یک قدرت جهانی اما تحت فشار آمریکا، می‌تواند با همکاری

جامع یک فشار راهبردی جدید در غرب آسیا برای آمریکا و متحدانش ایجاد کنند. ایران باید سعی کند از طریق اتحاد استراتژی نگاه به شرق، آرمان و اهداف سیاسی خود را از طریق توسعه همکاری با این کانون ثروت و قدرت بین‌المللی در سطح منطقه و بین‌الملل تأمین کند. در این راستا مناسبات راهبردی ایران با این مناطق اقتصادی رشد یافته به نوبه خود می‌تواند بستری مناسب را برای جایگاه جمهوری اسلامی ایران در سطوح منطقه‌ای و بین‌المللی فراهم کند. از طرف دیگر، باتوجه به این که امروزه، امنیت رسانه‌های اجتماعی جزو دستورالعمل‌های حکومت قرار گرفته است؛ ایران می‌تواند در ازای فروش نفت به چین، خود را در زمینه‌ی امنیت سایبری ارتقا دهد. زیرا چین چندسالی است که از اینترنت ملی خود استفاده می‌کند و ایران نیز قصد دارد برای کنترل و محدودیت اینترنت بین‌المللی از اینترنت ملی استفاده کند. بنابراین براساس این توافقنامه، همکاری میان این دو کشور می‌تواند کمک شایانی در این زمینه به ایران کند. از سوی دیگر، از آن جایی که در پالایشگاه‌های گازی ایران عدم توسعه‌یافتگی وجود دارد، اگر قرارداد جامع همکاری میان ایران و چین بتواند در زمینه‌ی پالایشگاه‌های گاز طبیعی از جمله: فاز یازده پارس جنوبی، میدان گازی پارس شمالی، آزادگان و یاداوران را نوسازی و مدرنیزه کند می‌تواند مفید واقع شود. چرا که چین می‌تواند در طرح‌های توسعه منابع انرژی پاک و نوسازی نیروگاه‌های آسیب‌دیده مشارکت و همکاری نماید و این پالایشگاه‌ها را در ایران تقویت کند. بنابراین، ایران می‌تواند با نوسازی و بهبود زیرساخت‌ها و تأسیسات انرژی آسیب‌دیده خود با همکاری شرکت‌های چینی حجم صادرات گاز خود را افزایش دهد. در مقابل چین نیز برای پیشبرد منافع خویش در خاورمیانه باید شاخص‌های اقتصادی خودش را در زمینه نفت و گاز منطقه و انرژی تقویت کند. عدم حضور ایران در گروه ویژه اقدام مالی^۱ یکی از چالش‌های دیگری است که می‌تواند همکاری راهبردی ایران و چین را تحت تاثیر قرار دهد. اگر ایران در این گروه ویژه اقدام مالی حضور یابد. می‌تواند روند اجرای این توافق‌نامه را تسریع کند.

۴-۴ راهبردهای تدافعی

این راهبردها از تقابل و تعامل ضعف درونی و تهدیدها خارجی شکل می‌گیرد. این راهبردها تلاش می‌کند تا با ترمیم نقاط ضعف، برون رفت از تهدیدها خارجی به دست آید. ایران، پس از هشت سال جنگ تحمیلی عراق و سپس اعمال تحریم‌های یک‌جانبه ایالات متحده آمریکا و اتحادیه اروپا، سیاست نگاه به شرق و گسترش مناسبات بین‌المللی با قطب‌های آینده را در

^۱. Financial Action Task Force (FATF)

پیش‌گرفت. یکی از این قطب‌ها چین است. در مقابل، چین برای حل و فصل و جلوگیری از بحران‌های مالی جهانی بر ساختار اقتصادی خود، تداوم برنامه‌های بلندمدت و همچنین برای مشارکت بیشتر در فعالیت‌های بین‌المللی نظیر حضور در اجلاس گروه ۲۰، نشست هشت کشور صنعتی و اجلاس شانگهای، به مناطقی از جمله ایران و خلیج فارس که داری اهمیت ژئواستراتژیک و ژئواکونومیک هستند، نگاه ویژه‌ای دارد. بنابراین دو کشور برای پیشبرد منافع خویش با ایجاد یک ائتلاف راهبردی می‌توانند از نفوذ سیاسی آمریکا، رقابت‌های سیاسی درون منطقه و تحولات موجود در درون کشورها جلوگیری کنند. علاوه بر موارد مذکور، بر اساس الزامات توافقنامه، ایران برای جلوگیری از تحریم‌های احتمالی آمریکا می‌تواند از نفوذ چین در شورای امنیت و حق وتوی این کشور استفاده کند. در راستای تحریم‌های بین‌المللی علیه ایران عرضه نفت به چین تا سال ۲۰۲۰ روند نزولی داشته‌است، با توافق ۲۵ ساله و در نظر گرفتن چین به‌عنوان شریک استراتژیک، جمهوری اسلامی ایران می‌تواند هم در بخش توسعه تقاضای داخلی از طریق ارتقای پالایشگاه‌ها، ایجاد پتروپالایشگاه‌های جدید و ساخت پالایشگاه‌های کوچک از طریق انتقال فناوری بهره‌بردار و هم روند صادرات نفت به چین را تقویت کند.

۵. بحث و نتیجه‌گیری

همزمان با سفر رسمی "شی جین پینگ"؛ رئیس‌جمهور چین به ایران، در تاریخ ۳ بهمن ۱۳۹۴، تهران و چین با صدور بیانیه‌ای اعلام کردند که سطح روابط دو کشور را به مشارکت جامع راهبردی ارتقاء داده‌اند و بر اساس پیشنهاد طرف ایرانی به منظور تنظیم روابط بلندمدت با چین در بازه زمانی ۲۵ ساله و موافقت طرف چینی، دو کشور مذکور تمایل و آمادگی خود برای رایزنی و مذاکره جهت انعقاد قرارداد همکاری بلندمدت اعلام کردند. بر اساس همین چارچوب، وزارت امور خارجه پس از برگزاری جلسات متعدد هماهنگی، نسبت به تهیه نسخه پیش‌نویس «برنامه همکاری جامع» اقدام کرد و نهایتاً پیش‌نویس این سند در جریان سفر رسمی ظریف به چین در شهریور ۱۳۹۸ به مقامات این کشور ارائه شد. مقامات چینی نیز در بهار ۱۳۹۹ پس از انجام بررسی‌های لازم و مطالعه پیش‌نویس ارائه شده، نظر خود را در مورد پیش‌نویس پیشنهادی طرف ایرانی اعلام کردند. در ادامه کار، وزارت امور خارجه با همکاری نهادهای کشوری ضمن بررسی قرارداد، فرآیندهای قانونی را طی کرد و هیات دولت نیز در تاریخ ۳ تیر ۱۳۹۹، مجوز رسمی آغاز مذاکرات و امضای برنامه همکاری جامع بر اساس منافع متقابل بلندمدت را به وزارت امور خارجه ارائه کرد. به موجب این همکاری‌ها

در سال ۱۳۹۹، قرارداد ۲۵ ساله میان ایران و چین منعقد شد. این قرارداد بسیاری از حوزه‌های حیاتی از جمله سیاسی، امنیتی، دفاعی، فرهنگی، کشاورزی، نفت و انرژی را دربر می‌گیرد؛ و یک چارچوب کاری دوجانبه و چندجانبه بین ایران و چین است که می‌تواند شرایط دو بازیگر را در نظام بین‌الملل در حال گذار را ارتقا دهد. در شرایط کنونی، با توجه به عدم حسن نیت غرب و مضرات تعاملات با آمریکا، از چند منظر، گرایش به شرق می‌تواند برای جمهوری اسلامی ایران دستاوردهایی را به همراه داشته باشد. هدف از پژوهش حاضر تبیین و تحلیل قرارداد ۲۵ ساله ایران و چین است. که با توجه به مفاد این قرارداد می‌تواند برای ایران و چین نقاط مثبت، ضعف، تهدید و فرصت را به همراه داشته باشد. این مقاله با بهره‌گیری از روش سوات برای تحلیل قرارداد ۲۵ ساله ایران و چین، ۶ نقطه قوت؛ ۵ نقطه ضعف؛ ۷ نقطه فرصت؛ ۴ نقطه تهدید شناسایی کرد. پس از شناسایی نقاط ضعف و قوت، فرصت و تهدید به تجزیه و تحلیل و تدوین چهار دسته راهبرد قوت فرصت، ضعف فرصت، قوت تهدید و ضعف تهدید برای کنترل و یا کاهش نقاط تهدید و ضعف و افزایش نقاط مثبت برای هم‌گرایی بیشتر رابطه ایران و چین از طریق قرارداد ۲۵ ساله در زمان آینده پرداخته شد. به نظر می‌رسد قرارداد همکاری راهبردی ایران و چین واجد همه عناصر وفق مدل تحلیلی سوات است. می‌توان با نگاهی گذرا منافع و به خصوص فرصت‌های حاصل از این قرارداد همکاری را "نقد و موجود" و نقاط ضعف و تهدیدها آن را "نسیه و بالقوه" ارزیابی کرد. عقلانیت سیاسی حکم می‌کند از فرصت‌های نقد و منافع بالفعل این قرارداد به خاطر تهدیدهای بالقوه و ضعف‌های احتمالی صرف نظر نکنیم.

منابع و مآخذ

الف) فارسی:

- آدمی، علی (۱۳۸۶). «راهبرد نگاه به شرق در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران: دیدگاه‌ها، زمینه‌ها و فرصت‌ها». *فصلنامه مطالعات سیاسی*، سال دوم، شماره ۷.
- بخشی آبی، رضا، عباسی، مجید، رحیمی نژاد، علی (۱۴۰۰)، «متغیرهای اقتصادی و سیاسی حاکم بر روابط راهبردی ایران و چین». *مطالعات اقتصاد سیاسی بین‌الملل*، دوره چهارم، شماره دوم، ۴۶۲-۴۲۳.
- احمدی، پرویز، صفری‌کهره، محمد، غلامعلی‌زاده، ابوذر (۱۳۸۵). «مطالعه تطبیقی بررسی محیط به منظور تدوین استراتژی شرکت‌های خودروسازی». *فصلنامه مدیریت*، دوره سوم، شماره پیاپی سی پنجم، فصل تابستان.

احمدی، محمدرضا (۱۳۹۰). «روش تحلیل راهبردی در مدیریت». نشریه مدیران، دوره اول شماره ۱۵.

اسمیت، استیو، هدفیلد، امیلیا، دان، تیم (۱۳۹۱). **سیاست خارجی؛ نظریه‌ها، بازیگران و موارد مطالعاتی (جلد اول)**. ترجمه: میرمحمد حاجی یوسفی و همکاران، چاپ اول، تهران: سمت.

بیگدلی، مهرناز (۱۳۸۹). «شش روش نوین تحقیق در مدیریت و برنامه ریزی». **پیام مدیران**: شماره ۲۱.

پیرس و رابینسون (۱۳۸۹). **برنامه ریزی و مدیریت استراتژیک**، ترجمه: سهراب خلیلی شورینی، چاپ پنجم، تهران: یادواره کتب.

ترابی، مهدی، سلطانی، علیرضا، طباطبایی پناه، سید علی (۱۴۰۲). «چشم انداز مناسبات سیاسی-اقتصادی ایران و چین در پرتو سند ۲۵ ساله». **فصلنامه سیاست خارجی**، سال سی و هفتم، شماره ۲، تابستان ۱۴۰۲، صص ۵۶-۳۱.

خجیر، یوسف (۱۳۹۸). «روش تحلیل راهبردی (SWOT) در ارتباطات و رسانه». **علوم خبری**، سال هشتم، شماره ۲۹.

دهقانی فیروزآبادی، سید جلال (۱۳۹۲). **سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران**. چاپ پنجم، تهران: سمت.

رحیمی، رئوف، سازمند، بهاره (۱۴۰۱). «تحلیل برنامه همکاری استراتژیک ۲۵ ساله ایران و چین و چالش‌های اجرای آن». **مجله پژوهش‌های جغرافیای سیاسی**، سال هفتم، شماره چهارم، پیاپی ۲۸.

ساسانیان، سعید؛ حاجیانی، ابراهیم (۱۳۹۶). «راهبردهای ایران در رویارویی با راهبرد مداخله‌جویانه قومی عربستان». **مجله سیاست دفاعی**، سال بیست و ششم، شماره ۱۰۱، ۷۵-۴۵.

سریع‌القلم، محمود (۱۳۷۹). **سیاست خارجی جمهور اسلامی ایران: بازبینی نظر و پارادایم ائتلاف**، تهران: مرکز تحقیقات استراتژیک.

فرضی، مجید (۱۳۹۵). «بررسی عوامل گسترش همکاری‌های جمهوری اسلامی ایران و چین: فرصت‌ها و چالش‌ها». **دانشکده ادبیات و علوم انسانی**.

ب) انگلیسی:

- Almutairi, S. J. (2018). *The Arab Gulf Monarchies' Responses to the Rise of the Chinese Dragon*. University of California, Santa Cruz.
- Belal, K. (2020). China-Iran Relations: Prospects and Complexities. *Policy Perspectives*, 17(2), 47-66.
- Chang, H. H., & Huang, W. C. (2006). Application of a quantification SWOT analytical method. *Mathematical and computer modelling*, 43(1-2), 158-169.
- Chaziza, M. (2019). Roadmap for a chinese-iranian Strategic Partnership. *The Begin-Sadat Center for Strategic Studies*, 1-3.
- Cheng, J. Y., & Wankun, Z. (2002). "Patterns and dynamics of China's international strategic behavior". *Journal of Contemporary China*, 11(31), 235-260.
- Daojiong, Z., & Meidan, M. (2015). *China and the Middle East in a new energy landscape*. Catham House, 1-15.

- Dolatabadi, A. B. (2018). "The future of Iran-China relations: an alliance or pure cooperation?", *Сравнительная политика*, 9(1), 60-73.
- Farhang, D. (2009). *Moving in the shadows of power: China's middle east energy strategy and the implications for american vital interests in the region*. Library and Archives Canada= Bibliothèque et Archives Canada, Ottawa.
- Feng, Z., & Huang, J. (2014). "China's strategic partnership diplomacy: engaging with a changing world". *European Strategic Partnerships Observatory* (No. 8). Working paper.
- Forough, M. (2021). *Iran between the US and China*. Center for Iranian Studies in Ankara
- Forough, M. (2022). "Sino-Iranian 25-Year Deal: Implications for NATO and Europe", *Atlantisch Perspectief*, 2021, Vol. 45, No, pp. 27-32
- Ip, Y.K., & Koo, L.C. (2004). "BSQ strategic formulation framework a hybrid of balanced scorecard, SWOT analysis and quality function deployment". *Managerial Auditing Journal*, 19 (4), 533-543.
- Kenderdine, T., & Lan, P. (2018). "China's Middle East investment policy". *Eurasian Geography and Economics*, 59(5-6), 557-584.
- Leandro, F., Branco, C., & Caba-Maria, F. (2021). *The Geopolitics of Iran, Studies in Iranian Politics*, ISBN 978-981-16-3563-2 ISBN 978-981-16-3564-9Geo
- Li, Q., & Ye, M. (2019). "China's emerging partnership network: what, who, where, when and why". *International Trade, Politics and Development*, 3(2), 66-81.
- Lin, C. (2013). "China's strategic shift toward the region of the four seas: The Middle Kingdom arrives in the Middle East". *Middle East Review of International Affairs*, 17(1), 32-55.
- Park, J. S., & Glenn, C. (2010). "Iran and China". *The Iran Primer*, 182-185.
- Salman, M., Pieper, M., & Geeraerts, G. (2015). "Hedging in the Middle East and China-US Competition". *Asian Politics & Policy*, 7(4), 575-596.
- Shariatinia, M. (2011). "Iran-China Relations: An overview of critical factors". *Iranian Review of Foreign Affairs*, 1(4), 57-85.
- Ulgen, H. & Mirze, S.K. (2004). *Strategic Management, Istanbul*, Literature publication.
- Yue, S. (2018). Towards a global partnership network: Implications, evolution and prospects of China's partnership diplomacy. *The Copenhagen Journal of Asian Studies*, 36(2), 5-27

